

خواب شتر تاهل در پس هفت‌خوان مشکلات

قدیم‌ترها می‌گفتند برای ازدواج خواستن لازم است، توکل به خدا و دعای خیر پدر و مادر؛ امروزی‌ها اما هفت‌خوانی را باید پشت سر بگذارند تا با تجرد خداحافظی کرده و متاهل شوند.



که عشق آسان نمود اول، ولی ...
خواب شتر تاهل در پس هفت‌خوان مشکلات
قدیم‌ترها می‌گفتند برای ازدواج خواستن لازم است، توکل به خدا و دعای خیر پدر و مادر؛ امروزی‌ها اما هفت‌خوانی را باید پشت سر بگذارند تا با تجرد خداحافظی کرده و متاهل شوند.
به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، دیر زمانی نمی‌گذرد از روزگاری که ازدواج بخشی عادی از زندگی مردم بود؛ بچه‌ها متولد می‌شدند، با شیطنت و مدرسه رفتن و بازیگوشی بزرگ می‌شدند، شغلی دست و پا می‌کردند یا وردست پدر می‌شدند و یک روز بعد از ظهر با چهره‌ای سرخ از شرم به خواستگاری دختر خانومی می‌رفتند که مادر می‌گفت مثل پنجه آفتاب است و از هر انگشتش هزار هنر می‌بارد.

آقا پسر که سیگاری و اهل رفیق بازی نبود و درآمدی کم و بیش هم داشت، خانواده‌ها به تایید سر تکان می‌دادند و شیرینی می‌خوردند، میوه‌ها در حوض آب بالا و پایین می‌رفتند، حلقه‌ای که بر انگشت عروس خانوم می‌درخشید، سفره‌ای ترمه و قند سائیدن و هل‌له کردن و در نهایت خانه بختی که شاید فقط یکی دو اتاق تودرتو بود.

و زندگی آغاز می‌شد، به همین سادگی امروز اما این تصویر گرهی جاودانه با گذشته پیدا کرده است؛ انگار این اتفاقات بخشی عادی و معمولی از فیلم فارسی‌های کهن بودند و فقط محض ثبت در تاریخ به بعضی داستان‌ها و فیلم‌ها راه پیدا کرده‌اند.

امروز عصر زندگی مدرن است، عصر دوییدن برای رسیدن به امکاناتی که ارزشش بالاتر از آرامش است، عصر آدم‌های جدید و خواسته‌های جدیدتر...

درآمد، همه بهانه از توست!

این روزها رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون و دنیای مجازی و مکتوب، در تفاهمی ناخواسته همه پیرامون موضوع ازدواج می‌گردند، بهانه این امر هم هفته ازدواج است، ازدواج آسان!

#171؛ ازدواج آسان؟! شوخی می‌کنید! کجای ازدواج آسان است؟ سختی پیدا کردن همسر مناسب و دلخواه به جای خود، با پیچیدگی‌های برگزاری یک مراسم حتی ساده چه کنیم؟»

اینها حرف‌های کریم بودند، 28 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد پترولوژی. می‌گفت فعلا قید ازدواج را زده و با تمام توان جلوی خانواده‌اش ایستاده تا زمانی که امکانات لازم مالی را فراهم کند و بعد به دنبال همسر رویاهایش بگردد.

او که اکنون در یک شرکت خصوصی کارهای مالی و بانکی را انجام می‌دهد، داشتن توان مالی را نخستین شرط ازدواج می‌داند و می‌گوید: با آنکه وضعیت بدی نداشتیم اما تمام سال‌های کودکی من در خانه‌ای خیلی کوچک گذشت و می‌دانم مادرم با اینکه شکایتی نمی‌کرد ولی از این بابت در سختی بود، نمی‌خواهم فرزندم و همسرم در چنین شرایطی باشند.

کریم داشتن یک خانه به عنوان پشتوانه زندگی را حداقل داشته‌های لازم خود برای رفتن به خواستگاری می‌داند و می‌گوید خواهر خودش هم به کمتر از این راضی نبوده، چطور ممکن است دختر دیگری در همین سطح و طرز فکر مسکن را به عنوان حداقل نیازمندی‌های زندگی تلقی نکند.

فریبا فرزند خانواده‌ای 4 نفره و ساکن یکی از مناطق بالاتر از سطح متوسط تبریز است. او دانشجویست و می‌گوید تا حالا فکر ازدواج هم از خاطرش عبور نکرده. این دانشجوی رشته زبان فرانسه معتقد است هر چند احترام به سنت‌ها کاری نیکو و پسندیده است اما زندگی در دنیای امروز قواعد خودش را دارد و باید برای آغاز زندگی به لحاظ فکری و امکاناتی در سطح قابل قبولی قرار داشت.

او تاکید می‌کند در انتظار شاهزاده‌ای سوار بر اسب سپید نیست اما همسر ایده‌آل باید علاوه بر سطح فکری، فرهنگی و اخلاقی همسان با خانواده او، به لحاظ مالی هم در سطح قابل قبولی باشد و حداقل امکاناتی همچون زندگی خانه پدری‌اش برایش فراهم

کند.

این حرف جوانانی از طیف‌های دیگر هم بود، کارمند، دانشجو، نقاش ساختمان، مهندس مخابرات، مدرس دانشگاه و امثال آنها افرادی که به قول قدیمی‌ها، خیلی وقت است شتر تاهل دم در خانه شان لم داده و احتمالا خوابش هم برده است!

درآمد؛ مسئله اصلی زندگی جوانان امروز، مسئله‌ای که با نگاهی کوتاه به وضعیت هزینه‌های مختلف اهمیت آن بیشتر هم مشخص می‌شود.

شیدا صالحی، مشاور خانواده با تایید اهمیت این مسئله می‌گوید: روزی نیست که مراجعان مجرد یا در آستانه ازدواج برای مطرح کردن دغدغه‌هایشان در خصوص مسائل مالی مراجعه نکنند و نگرانی‌هایشان در این رابطه را مطرح نمایند.

به گفته وی، بر خلاف تصور، آقایان جوان هم بخش زیادی از مراجعان را تشکیل می‌دهند و در مراجعات اولیه اغلب مضطرب و پریشان و بی‌انگیزه هم هستند. آنها نگران این هستند که کارشان را از دست بدهند و با مشکلاتی دوچندان نسبت به دوره تجرد روبه‌رو شوند و یا نگران هستند که درآمد و پس انداز نه چندان زیادشان برای مراسم عروسی و هزینه‌های زندگی مشترک کافی نباشد.

این مشاور خانواده تاکید می‌کند با توجه به وضعیت اقتصادی فعلی، این نگرانی‌ها بی‌دلیل و بی‌توجیه نیستند، هر چند با به کار بستن تمهیداتی می‌تواند باعث خودداری فرد از آغاز زندگی مشترک نشود.

او بخشی از این تمهیدات را تغییر نگرش به زندگی مشترک می‌داند: «« قرار نیست بهشت پنهان در زندگی مشترک را یکی از طرفین و به شکل سنتی مرد خانواده از قبل با خودش داشته باشد؛ این بهشت دست یافتنی است اگر هر دو نفر بخواهند و برای رسیدن به آن با هم تلاش کنند؛ از تلاش یکدیگر قهرمانی کنند و پایبندی و تعهد خود را به زندگی مشترک و تلاش‌های صورت گرفته ثابت کنند.»

صالحی سبک ازدواج در شهری مانند تبریز را بسیار متأثر از فرهنگ و باورهای مردم می‌داند و می‌گوید: هر چند بسیاری از خانواده‌ها و جوانان از رفتارهای پرتجمل در آغاز زندگی دوری می‌کنند، اما هنوز هم ««حرف مردم» و ««مردم چه می‌گویند» اهمیت خود را در میان اقشار بسیاری از دست نداده و این اقشار از تمام بخش‌های درآمدی جامعه هستند، یعنی الزاما این تفکر متعلق به دهک‌های پایین نیست.

شاه پسر داریم داماد، قند و عسل داریم عروس!

در کوچه پس کوچه‌های همین شهر، مادران بسیاری هستند که آرزوی خواندن چنین شعر و ترانه‌هایی برای عروس یا داماد آینده‌شان به دلشان مانده؛ می‌گویند دلشان می‌خواهد اما جوان‌ها هم حق دارند، مراسم کلی هزینه دارد و هزینه‌های مراسم به غیر از دیگر ملزومات مانند خانه و برخی خریدهای اولیه هستند.

کامران برگزارکننده مراسم و همایش‌های اداری و تخصصی و فنی است، درآمد بدی ندارد اما نزدیک به دو سالی می‌شود که همسرش زیر عقد است و او هنوز آمادگی برگزاری مراسم عروسی را ندارد.

این جوان 29 ساله حداقل هزینه برآورد کرده برای مراسم را چیزی بیش از 55 میلیون تومان عنوان می‌کند و می‌گوید: هرچه از زمان عقدمان دورتر می‌شویم هزینه‌ها بالاتر می‌روند، اگر سال قبل مراسم را برگزار کرده بودیم نصف این مبلغ هم هزینه نمی‌شد.

او هزینه‌های اصلی مراسم را شامل سرویس طلا، حلقه، تالار عروسی، آرایشگاه، عکاسی و فیلمبرداری، سیستم صوتی و ارکستر، تزئین ماشین و دسته گل می‌داند و می‌افزاید که هزینه‌های کوچک‌تری مانند حضور عاقد برای تکمیل فیلم، کارت دعوت و یادبودها را در نظر نگرفته است.

کامران می‌گوید هرچند بخش زیادی از ملزومات مراسم را دوستان و همکارانش با تخفیف ویژه برایش انجام می‌دهند، اما بازهم هزینه‌ها بالاست؛ او می‌گوید نمی‌تواند چیزی از این بخش‌ها را کم کند چون خانواده همسرش هر چقدر در خصوص مهریه بی‌تفاوت بودند، در خصوص این مسئله بسیار حساس هستند و داماد بزرگ آنها هم با همین دقت مراسم را برگزار کرده است.

او علت این حساسیت را ویژگی‌های خانوادگی و البته کمی چشم و هم چشمی می‌داند و امیدوار است فرهنگ و باورهای مردم شهر در گذر زمان تغییر کند تا حداقل نسل بعدی با چنین مسائل دست و پاگیری برخورد نکند.

صالحی، مشاور خانواده هم با تایید این دیدگاه، نقش خانواده‌ها را در تسهیل ازدواج بسیار اساسی می‌داند و می‌گوید: وقتی دختر و پسر از سوی خانواده برای برگزاری مراسمی با اشل و ویژگی‌های خاص تحت فشار نباشند، راحت‌تر می‌توانند برای آغاز زندگی برنامه‌ریزی کنند.

وی تاکید می‌کند که در سال‌های اخیر این الگو چهره‌ای بسیار دوگانه داشته است، به صورتی که در برخی خانواده‌ها برگزاری مراسم ازدواج بسیار آسان‌تر و در برخی دیگر بسیار پیچیده‌تر شده است.

فاطمه اما روایت دیگری از ترانه‌های عروسی دارد. او که به گفته خودش به تازگی از رخوت و غصه یک شکست تلخ دور شده، می‌گوید 6 سال قبل با پسری که از نظر خانواده‌اش هم معقول بود با مهریه 600 سکه سر سفره عقد نشستند. پس از آن داماد به سربازی رفت و بعد هم درگیر راه‌اندازی کار شد و تمام این قضایا 5 سال طول کشید. در نهایت با کلی قرض و وام مراسمی برگزار کردند و به خانه بختشان رفتند؛ اما همین قرض و وام‌ها در ماه‌های پس از هم‌خانه شدنشان موجب بروز مشکلات و دعوای بسیاری شد و زندگی مشترکشان بیش از 5 ماه دوام نیاورد؛ اوایل برای آرام کردن خودش پیگیر دریافت مهریه هم شده اما چیزی جز دو سکه و تقسیط بلند مدت عایدش نشده که از خیر آن هم گذشته و چند روزی از اتمام مراحل جدایی شان نمی‌گذرد.

نون و پنیر آوردیم ...

مادر بزرگ‌های ما هنوز هم لالایی‌وار توی گوش نوه‌هایشان «نون و پنیر آوردیم، دخترتون رو بردیم» می‌خوانند و آرزو می‌کنند قد و بالای نوه نازنینشان را در رخت عروسی ببینند.

رختی که این روزها میلیون‌ها تومان برای برآورده کردن این تصور طلب می‌کند...

آزاده در دهه سوم زندگی‌اش به سر می‌برد، دختری 12 ساله دارد و از زندگی‌اش راضی است. او مدیر مزون و طراح سفره عقد است و به گفته خودش به لحاظ هزینه و دستمزد دریافتی از مشتریان، جزو مزون‌های معمولی شهر محسوب می‌شود.

گفته‌های او در خصوص حاشیه‌های مراسم ازدواج اما چنان عجیب و حتی خنده‌دار هستند که به سختی می‌توان تصور کرد در چنین شرایط اقتصادی افرادی حاضر به پرداخت چنین هزینه‌هایی هم باشند.

آزاده می‌گوید قیمت‌های ملزومات مراسم عروسی «از» دارند اما «تا» ندارند، برای مثال خرید لباس عروس قیمتی از پایه 2 میلیون تومان دارد و به قیمت‌هایی همچون 40 میلیون تومان و حتی بالاتر هم می‌رسد!

او قیمت کرایه لباس عروس را برای لباس‌هایی که بارها پوشیده شده‌اند از 200 هزار تومان می‌داند و تا قیمت‌های 8 میلیون تومان و بیشتر از آن هم پیش می‌رود. البته کرایه تور عروس و تاج جدا از این قیمت است و حتی تور با قیمت یک و نیم میلیون تومان برای یک شب هم در همین شهر کرایه داده می‌شود!

به گفته این طراح لباس و دکور، در سال اخیر سفارش گل برای گل آرایشی سالن و سفره عقد کمتر شده اما قیمت این گل آرایشی‌ها در شرایط فعلی بسته به نوع گل و فصل برگزاری مراسم چیزی بیشتر از 3 میلیون تومان برای ماشین عروس و 10 میلیون تومان برای تزئین تالار عروسی می‌شود.

برای به دست آوردن آمار قیمت آرایشگاه‌های مختلف، با چندین آرایشگاه تماس گرفتیم، اما طی اقدامی هماهنگ هیچ کدام از آرایشگاه‌ها حاضر به ارائه قیمت تلفنی نشدند و گفتند فقط به صورت حضوری و با دیدن عروس قیمت می‌دهند! این درحالی است که مراجعه حضوری قیمت‌هایی از 400 هزار تومان برای آرایش‌های ساده‌تر تا 2 میلیون تومان برای گریم و میک آپ را شامل می‌شدند.

عکاسی‌ها اما روابط تلفنی بهتری داشتند و هرچند لیست قیمت‌هایشان با توجه به گزینه‌های مطرح شده از سوی زوج جوان تغییر می‌کرد اما قیمت‌هایی همچون 850 هزار تومان برای فیلمبرداری با یک دوربین در تالار، یک میلیون و 300 هزار تومان برای دو دوربین، 2 میلیون برای سه دوربین و ... را شامل می‌شدند. به این قیمت‌ها باید هزینه‌ای در حدود یک میلیون تومان برای آلبوم، و

البته هزینه‌های اضافه‌تری برای عکس‌های اسپرت قبل از عروسی، عکس بزرگ برای تالار و عکس‌های کوچک یادبود را هم اضافه کرد.

فیلمبرداری و عکاسی 25 میلیون تومانی عروسی

خانم طراح می‌گفت یکی از مشتری‌هایش برای فیلمبرداری و عکاسی از مراسم عروسی‌اش هزینه‌ای 25 میلیون تومانی داشته که شامل سفر به شمال، عکاسی کنار دریا و جنگل و تمام گزینه‌های ممکن در روز عروسی بوده است!

اما باز هم این تمام ماجرا نیست؛ هزینه‌های دیگری از جمله سفره عقد و یادبودهای عروسی را هم باید به لیست بی پایان این هزینه‌ها اضافه کرد. سفره‌های عقد به توجه به مزونی که آن را کرایه می‌دهد و وسایل به کار رفته مثل چینی آلات، ظروف نقره و امثال آن قیمتی از 150 هزار تومان دارد و سیر صعودی خود را با بالای 8 میلیون تومان ادامه می‌دهد؛ البته به همراه یادبودهایی که هر عدد از آنها از 2 هزار تومان تا مبالغی بیشتر از 20 هزار تومان قیمت دارند، حالا با یک ضرب ساده، هزینه یادبود عروسی برای حدود 100 میهمان را محاسبه کنید...

ارکستر و سیستم صوتی را از قلم انداختیم! این مورد بستگی بسیاری به محیطی دارد که عروسی در آن برگزار می‌شود؛ خانه‌ها چون عموماً خیلی بزرگ نیستند به بیشتر از 2 بلندگو و دو یا سه نوازنده نیاز ندارند. اما در باغ قضیه فرق دارد و بازهم #171؛ تا ندارد و این مورد بسته به سلیقه و سفارش عروس و داماد تعیین و داماد تعیین و قیمت‌گذاری می‌شود. پایه قیمت برای مراسم‌ها از حدود یک میلیون تومان است و تا میلیون‌ها تومان پرواز می‌کند.

و می‌دانیم در همین شهر و در کنار خانه‌های ما، خانواده‌هایی چنین پیش‌بینی‌هایی برای مراسم فرزندشان دارند، حالا اینکه وام ازدواج در این گیر و دار گرانی و قیمت‌های نجومی و مراسم‌هایی که با علت و بی‌علت سنگینتر و پیچیده‌تر شده‌اند، چه کمکی می‌تواند بکند، خدا عالم است...

***گلین گلیر نازی ن!

و این هفته، هفته ازدواج آسان است! شعاری که سازمان ملی جوانان سابق برای شکل دادن به فعالیت‌هایش برگزید و #171؛ ازدواج آسان، آگاهانه و به هنگام» را نیاز جامعه معرفی نمود و برای پاسخگویی به آن هم تلاش نمود. پاسخ اینکه چقدر این اقدامات موثر بوده‌اند را باید در آمار یک طلاق از هر 6 ازدواج در استان جستجو کرد، کمی بالاتر و پایین‌تر بودن این آمار هم محل مناقشه نیست، چون این مشکلات مدتهاست مانند غده‌ای بیمار از بطن جامعه سر باز کرده‌اند و در انتظار درمان هستند.

خانم صالحی ابزارهای اطلاع‌رسانی نوین همچون اینترنت و شبکه‌های تلویزیونی را در شکل دادن به تفکر جدیدی در خصوص ازدواج بسیار موثر می‌داند و می‌گوید: اگر در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی به جای برگزاری عروسی در باغ‌های چند هزار متری و هدیه‌های میلیونی و تزئینات زیبا و باشکوه، فرهنگ بومی و ملی ما در امر ازدواج ترویج شود، شاید نتایج بهتری بگیریم. شاید روزی را ببینیم که سادگی و اصالت نه در حد یک شعار که به عنوان یک رویکرد اخلاقی در نظر گرفته شود و افرادی که غیر از این عمل کنند، شرمنده و خجالت‌زده شوند. اتفاقی که می‌تواند به زندگی ساده‌تر و بی‌دغدغه‌تر نسل بعدی یاری برساند...

باید باور کنیم تا وقتی طرز تفکر و اولویت‌های ما و خانواده‌هایمان عوض نشده‌اند، قصه همان است که بود؛ قصه ازدواج‌هایی که به خاطر محکم کاری خانواده‌ها، سنگین برگزار می‌شوند و بعد ختم به خیر نمی‌شوند. قصه عروس‌های کوچکی که از کودکی با ترانه‌های مادر بزرگ به #171؛ گلین» شدن و با ناز آمدن فکر می‌کنند، اما هیچ‌گاه خود را در رخت و لباس سپید و در انتظار شاهزاده خوشبختی شان نمی‌بینند.

شاید روز بدون طلاق و هفته ازدواج آسان به شکل نمادین اقدامات خوبی برای جوانان باشند، اما بی‌شک اگر این تفکر در طول سال با اقدامات تکمیلی همراه نشود، مانند بسیاری از مناسبت‌های دیگر فراموش می‌شود و به سادگی از ذهن می‌رود.

نگارنده: فرینوش اکبرزاده